

التورم با صید و الم  
ناکر شده مض

و دست بر سر خطه بن جدم نهاد و دعا برکت فرمود  
و کس عتوت می شد و تبستان مکه مستغیری که غراب می  
شد اول آن موضع را که دست مبارک رسول الله صلی الله  
علیه و سلم بر آن رسیده بود بر آن می مالید و بهتر می شد  
و در شاد آب بر روی زینت بنت ابی سلمه زفر و جان  
صاحب جان شد که از عمر زمان جاهل پیش داشت و ووی  
دفع سر بود و دست مبارک بر روی مالید و عوی بر آورد  
و بر شد و در اطال و دیوانگان و عا خواند و شجا یا قشد  
و آب دمان در وی انداخت و در جای ریخت و مشک بود  
شد دیگر آن بود که جابر رضی الله عنه روایت کند که روز  
صدیق علیه السلام خلافت نشسته بود و در کوفه آب در حضور رساله  
صلی الله علیه و سلم نهاد بود و وضو از آن رواه میکرد  
و گفتند بغیر از این آب که در کوفه است هیچ آب دیگر نداریم  
پس دست مبارک را در کوفه نهاد و آب از میان انگشتان  
او بر می جو شید و اشیا میدیم و وضو کردیم و از جابر رضی  
الله عنه سوال کردند که خلافتی چند فرمودند گفت فرار  
و با نصد فرمود و گو صد فرار بودی هر آنی که خانه کردی چون آن  
بود که انس رضی الله عنه روایت کند که شخصی کاتبه بنی  
صلی الله علیه و سلم بود و فرزند شد و بر مشرکان پیوسته و بنی

در کوفه

البرکة الالهة  
محل

صلی الله علیه و سلم فرمود که زمین او را بگردد و بگردد  
گفت که بر آن زمین رسیدم که مرد کا، او بود و در دم او را  
اندر خنده بود و گفتم این چه حال است گفتند او را باران  
گردد و زمین او را بگردد و بگردد آن بود که انس روایت کند که  
بغیر صلی الله علیه و سلم در روزا ظنی پیش او نهاد و بود و  
جا اول بر آن نهاد و آب از میان انگشتان او بر می آمد و کا  
پیش سبب آمدن از آن و در کرد و دیگر آن بود که این عباس  
رضی الله عنه روایت کند که اعرابی بخضه رساله علیه الصلوة  
و السلام آمد و گفت چه گونه بدایم که تو بغیری فرمود که از خوشتر  
این نخل بخورم و پیابد و گویا در هر ایمان آری پس آنرا طلب  
داشت و فرود آمد و در حضور رساله صلی الله علیه و سلم بر زمین  
انقاد بعد از آن فرمود که با ذکر و باز جای خود کردید  
و اعرابی مسلمان شد و دیگر آن بود که از غیب و حوادث  
خبر را بر می شاد میداد و از آنها آن بود که فرمود که اهل بیت  
را قتل کنند و متوق کردند و علی رضی الله عنه را شهید  
کنند و سروریش او را بخونی زکن که دانند و قسم کنند که  
همیشه و دوزخ است دوستان او همیشه روز و دشمنان  
او در دوزخ و از دشمنان خوارج و ناصبه بودند و دیگر فرمود  
که حق عز شانه قدرتی بر عیان پوشاند و خلافتی خواهند

البرکة و موضع عند  
ش فی المدينة لبرکة  
المسجد سر تعلق کالمنازل  
سلمان کتبه یوسف

سما صفتان  
من البرکة  
فی

صلی